

# انتظار، ایثار، مقاومت

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی حججی

متن ذیل متناسب برای یک منبر مهدوی تنظیم شده است. البته توجه داشته باشید که تنظیم نوع ارائه با شخص ارائه دهنده می باشد. تلاش شده در این متن مواد و محتوای یک موضوع به هم مرتبط جمع آوری شود از آیه قرآن، روایات مرتبط و شاهد مثل هایی از شهدا. در موقع ارائه لازم هست که با توجه به سلیقه و نحوه ارائه ای که در نظر دارید مواد ذیل را در کنار هم قرار دهید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران / ۲۰۰)

این آیه دربر دارنده محتوی يك برنامه جامع چهار ماده‌ای برای عموم مسلمانان است، و به همین جهت با خطاب "یا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا" آغاز شده است.

۱- "اصبروا": نخستین ماده این برنامه که ضامن سربلندی و پیروزی مسلمین است همان استقامت و صبر و ایستادگی در برابر حوادث است، که در حقیقت ریشه اصلی هر گونه پیروزی مادی و معنوی را تشکیل میدهد، و هر چه در باره نقش و اهمیت آن در پیشرفت‌های فردی و اجتماعی گفته شود کم است، این همان چیزی است که علی علیه السلام در کلمات قصارش آن را به منزله سر در برای بدن معرفی کرده «إِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ»<sup>۱</sup>.

۲- "و صابروا": از "صابره" (از باب مفاعله) به معنی صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران است، بنا بر این قرآن نخست به افراد با ایمان دستور استقامت میدهد (که هر گونه جهاد با نفس و مشکلات زندگی را شامل میشود) و در مرحله دوم دستور به استقامت در برابر دشمن میدهد، و این خود میرساند که تا ملتی در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف درونی پیروز نشود، پیروزی او بر دشمن ممکن نیست و بیشتر شکست‌های ما در برابر دشمنان بخاطر شکست‌هایی است که در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف خود دامن‌گیر ما شده است.

و ضمناً از این دستور (صابروا) استفاده میشود که هر قدر دشمن بر استقامت خود بیفزاید ما نیز باید بر پایداری و استقامت خود بیفزائیم.

۱. نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص: ۴۸۲.

۳- و رابطوا: این جمله از ماده "رباط" گرفته شده، و آن در اصل به- معنی بستن چیزی در مکانی است (مانند بستن اسب در يك محل) و بهمین جهت به کاروانسرا "رباط" میگویند و "ربط قلب" به معنی آرامش دل و سکون خاطر است، گویا به محلی بسته شده است و "مرباطه" به معنی مراقبت از مرزها آمده است، زیرا سربازان و مرکبها و وسائل جنگی را در آن محل نگاهداری میکنند.

این جمله به مسلمانان دستور آماده باش در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی میدهد، تا هرگز گرفتار حملات غافلگیرانه دشمن نشوند، و نیز به آنها دستور آماده باش و مراقبت همیشگی در برابر حملات شیطان و هوسهای سرکش میدهد، تا غافلگیر نگردند، و لذا در بعضی از روایات از علی علیه السلام این جمله، به مواظبت و انتظار نمازها یکی بعد از دیگری تفسیر شده است، زیرا کسی که با این عبادت مستمر و پی در پی دل و جان خود را بیدار میدارد همچون سربازی است که در برابر دشمن حالت آماده باش به خود گرفته است.

خلاصه اینکه "مرباطه" معنی وسیعی دارد که هر گونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل میشود. در فقه اسلامی نیز در باب جهاد بحثی تحت عنوان "مرباطه" یعنی آمادگی برای حفظ مرزها در برابر هجوم احتمالی دشمن دیده میشود که احکام خاصی برای آن بیان شده است. (برای اطلاع بیشتر به کتب فقهی مراجعه شود).

در بعضی از روایات به علماء و دانشمندان نیز "مرباط" گفته شده است.

امام صادق علیه السلام طبق روایتی میفرماید:

**«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي النَّعْرِ- الَّذِي بِلِي إِيْلِسَ وَ عَقَارِيَّتُهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى صُغَفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِيْلِسٌ»**<sup>۲</sup>؛ دانشمندان پیروان ما همانند مرزدارانی هستند که در برابر لشکر ابلیس صف کشیده اند و از حمله کردن آنها به افرادی که قدرت دفاع از خود ندارند جلوگیری میکنند» در ذیل این حدیث مقام و موقعیت آنها برتر و بالاتر از افسران و مرزدارانی که در برابر هجوم دشمنان اسلام پیکار میکنند شمرده شده است و این بخاطر آن است که آنها نگهبانان عقائد و فرهنگ اسلامند در حالی که اینها حافظ مرزهای جغرافیایی هستند، مسلماً ملتی که

۲. الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص: ۱۷.

مرزهای عقیده‌ای و فرهنگی او، مورد حملات دشمن قرار گیرد و نتواند بخوبی از آن دفاع کند در مدت کوتاهی از نظر سیاسی و نظامی نیز شکست خواهد خورد.

**۴- وَ اتَّقُوا اللَّهَ؛** بالآخره آخرین دستور که همچون چتری بر همه دستوره‌های سابق سایه می‌افکند دستور به پرهیزکاری است و استقامت و مصابره و مرابطه، باید آمیخته با تقوی و پرهیزکاری باشد و از هر گونه خودخواهی و ریاکاری و اغراض شخصی به دور گردد.

**۵- لَمَّا كُنْتُمْ ثَغْلِيحُونَ؛** شما در سایه به کار بستن این چهار دستور، می‌توانید رستگار شوید و با تخلف از آنها راهی به سوی رستگاری نخواهید داشت.

اگر مسلمانان امروز، آیه فوق را به عنوان يك شعار اسلامی در برنامه زندگی خود پیاده کنند بسیاری از مشکلاتی را که اکنون با آن مواجه هستند حل خواهند نمود، امروز ضرباتی بر پیکر اسلام و مسلمین بر اثر زیر پا گذاشتن و یا فراموش کردن همه یا بعضی از این دستوره‌های چهارگانه وارد می‌شود که بسیار دردناک است.

اگر روح استقامت و پایداری در مسلمانان زنده شود، اگر در برابر افزایش تلاش و کوشش دشمنان، مسلمانان تلاش و کوشش بیشتری از خود نشان دهند، و اگر طبق فرمان مرابطه مراقبت کافی از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی و عقیده‌ای بنمایند و همواره در برابر نقشه‌های دشمنان، حالت آماده باش داشته باشند و علاوه بر همه اینها با تقوای فردی و اجتماعی، گناه و فساد را از جامعه خود دور کنند پیروزی آنها تضمین خواهد شد.<sup>۳</sup>

**رواهُ C مؤلفه طه**

**عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَعْنَى قَوْلِهِ تَعَالَى - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا قَالِ اصْبِرُوا عَلَىٰ أَذَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظَرِ؛**

**عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ، عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ عَالِمٍ مِنْكُمْ حَتَّى ظَاهِرٍ، يَفْرَعُ إِلَيْهِ النَّاسُ فِي حَلَالِهِمْ وَ حَرَامِهِمْ؟ فَقَالَ: «لَا يَا أَبَا يَوْسُفَ وَإِنَّ ذَلِكَ**

۳. بخش مربوط به تفسیر آیه از تفسیر نمونه گرفته شده است.

۴. الغيبة للنعماني؛ النص؛ ص ۲۶.

لَبِينٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ قَوْلُهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا اصْبِرُوا عَلَى دِينِكُمْ، وَصَابِرُوا عَدُوَّكُمْ، وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ فِيمَا أَمَرَكُمْ وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ»<sup>٥</sup>.

ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الْبَطَّائِنِيِّ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا فَقَالَ ... وَرَابِطُوا عَلَى مَنْ تَقْتَدُونَ بِهِ.<sup>٦</sup>

با توجه به روایاتی که عصر غیبت را توصیف می کنند می توان اهمیت لزوم ارتباط با امام به همراه مقاومت در راه را دریافت.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ يَمَانَ التَّمَّارِ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُلُوساً فَقَالَ لَنَا إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقِتَادِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ<sup>٧</sup> فَأَيْكُمْ يُمْسِكُ شَوْكَ الْقِتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيّاً ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلَيْتَنِي اللَّهُ عَبْدٌ وَ لَيْتَمَسَّكُ بِدِينِهِ؛ صاحب این امر را غیبتی است که در آن دوران هر کس از دین خود دست برندارد (در سختی و عظمت کار) همانند کسی است که بخواهد با کشیدن کف دست به ساقه قتاد (بوته ای تیغ دار است) خارهای آن را بکند. سپس آن حضرت مدتی سر بزیر افکند سپس فرمود: صاحب این امر دارای غیبتی است بنده باید از خدا بپرهیزد و دینش را محکم نگه دارد»<sup>٨</sup>.

### مدد خواهی از خدا بر استقامت

در ادعیه نیز بر این مسأله تأکید شده است:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا؛ بارالها! فقدان پیامبرمان، و غیبت ولی و سرپرستانمان، وقوع فتنه ها در میانمان، و اتحاد دشمنان بر علیه ما، و کمی افرادمان را بدرگاه تو شکوه میکنیم، خداوند! پس

٥. مختصر البصائر ؛ ص ٦٣.

٦. بحار الأنوار ؛ ج ٧٢ ؛ ص ٣٩٦.

٧. ای أشار بیده، و الخارط من يضرب بیده على اعلى الغصن ثم يمدّها إلى الاسفل ليسقط ورقة و القتاد شجر له شوك.

٨. الكافي (ط- الإسلامية) ؛ ج ١ ؛ ص ٣٣٥.

آن را با پیروزی زودرس و یاری شکست‌ناپذیر از جانب خودت، و ظهور پیشوای دادگر، گشایش ده ای پروردگار جهانیان».<sup>۹</sup>

### فراگیری هجمه‌های دشمنان

حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رَافِعٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنٌ، مِنْهَا: فِتْنَةُ الْأَخْلَاسِ يَكُونُ فِيهَا حَرْبٌ وَهَرَبٌ ثُمَّ بَعْدَهَا فِتْنٌ أَشَدُّ مِنْهَا، ثُمَّ تَكُونُ فِتْنَةٌ كُلَّمَا قِيلَ: انْقَطَعَتْ تَمَادَتْ حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ إِلَّا دَخَلْتَهُ وَلَا مُسْلِمٌ إِلَّا صَكَّتَهُ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ عِزَّتِي؛ پس از من فتنه‌هایی پدید می‌آید که راه نجاتی از آن نخواهد بود. در آنها جنگ، فرار و آوارگی است. پس از آن فتنه‌هایی خواهد بود که از فتنه‌های پیشین شدیدتر است. هنوز فتنه‌ای فروکش نکرده که فتنه دیگری شعله‌ور می‌شود تا جایی که هیچ خانه‌ای از خانه‌ها باقی نمی‌ماند که این آتش در آن نرفته باشد و هیچ مسلمانی نمی‌ماند که آن فتنه به او نرسیده باشد. آن‌گاه مردی از خاندان من ظهور می‌کند».<sup>۱۰</sup>

### راه نجات؛ ثبات قدم و مقاومت

«عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ؛ امام خودت را بشناس، چون در صورتی که تو امامت را بشناسی، دیگر جلو افتادن و یا به عقب افتادن ظهور برای تو تفاوت نمی‌کند».<sup>۱۱</sup>

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَيُّوبَ بْنِ يَحْيَى الْجَنْدَلِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَوْمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ الْحَدِيدِ لَا تُرْلُهُمُ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْبُنُونَ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ مردی از اهالی قوم مردم را به حق فرا می‌خواند، گروهی که دل‌های آنان چون پاره‌های آهن است، گرد او جمع می‌شوند. طوفان‌های سخت آنان را نمی‌لرزاند. از جنگ خسته نمی‌شوند و بیمی به خود راه نمی‌دهند، بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت [نیک] از آن پرهیزگاران است».<sup>۱۲</sup>

۹. کمال الدین و تمام النعمة؛ ج ۲؛ ص ۵۱۴.

۱۰. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن؛ ص ۷۰.

۱۱. الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج ۱؛ ص ۳۷۱.

۱۲. بحار الأنوار؛ ج ۵۷؛ ص ۲۱۶.

«حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ أَخِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْخَلْبِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَاذِبِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبَقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ گویا می بینم مردمی را که در مشرق قیام کرده اند و حق را می طلبند و بدیشان داده نمی شود؛ ولی از پای نمی نشینند. از این رو سلاح در دست می گیرند، در نتیجه آنچه می خواستند بدیشان داده می شود. اما نمی پذیرند تا آنکه قیام می کنند و حکومت را به کسی جز صاحب شما (امام عصر 4) تحویل نمی دهند. کشته شدگان از آنان، شهیدند. آگاه باشید که اگر من در آن زمان حضور داشتم، وجودم را وقف صاحب این امر می کردم».<sup>۱۳</sup>

## خاطرات و سیره شهدا مرتبط با بحث

### مبارزه با نفس قبل از مبارزه با دشمن

شهید علی چیت سازیان، فرمانده عملیات لشکر ۳۲ انصار الحسین همدان، شهادت عملیات نصر ۸ سال ۱۳۶۶

اولین درس اطلاعات عملیات این است که کسی می تواند از سیم خاردارهای دشمن عبور کند که در سیم خاردار نفس گیر نکرده باشد.<sup>۱۴</sup>

**این خاطره چشم مقام معظم رهبری را هم گرفت که فرمودند:**

این حرف من نیست. حرف آن رزمنده همدانی (شهید علی چیت سازیان) است. کسی می تواند از سیم خاردارهای دشمن عبور کند که در سیم خاردار نفس گیر نکرده باشد. وقتی گرفتار خودمان هستیم، نمی توانیم کاری انجام بدهیم؛ این را آنها به ما یاد دادند؛ این را آن جوان ۲۰ ساله یا ۲۵ ساله‌ی رزمنده به ما تعلیم داد، از آنها یاد گرفتیم؛ این یک ثروت عظیم است.

### صبر بر عبادت در سخت ترین شرایط

۱۳. الغيبة للنعمانی؛ النص؛ ص ۲۷۳.

۱۴. کتاب دلیل؛ روایت حماسه نابغه اطلاعات عملیات سردار شهید علی چیت سازیان، نویسنده: حمید حسام.

آموزش غواصی!!! یه چیزی میگم، یه چیزی میشنوید!! شما رو بخدا مجسم کنید. هوای سرد از زیرپتو بلند میشدن، میومدن لب آب، تو فضای باز، نه رختکنی، نه آب گرمی... لباسای نخی، ژاکت، اورکت رو در میآوردن!! یه تیکه سنگ یا آجری میذاشتن روشن که باد نبره!!! لباسای پلاستیکی! خیس و یخ زده ی غواصی رو با چه مشقتی! میپوشیدن!... تو شب تاریک، میفتادن داخل آب گل آلود... سرد و استخوان سوز کارون!!!! ده دوازده کیلومتر!! فین میزدن تا میرسیدن به پل مارد!! اذون صبح شده، بچه ها داخل آبن!! ستون غواص میکشه کنار ساحل، تو هوای سرد، همه از سوز سرما میلرزن!! با بدنای خیس!! لباس غواصی، تیمم میکردن، نمازصبح رو، درحالی که صدای تیک تیک بهم خوردن دندوناشون، شنیده میشه، میخوندن!! باز میفتادن داخل آب... برمینگشتن خرمشهر<sup>۱۵</sup>

### استقامت در برابر دشمن

عباسعلی فتاحی بچه دولت آباد اصفهان بود. سال شصت به شش زبان زنده ی دنیا تسلط داشت. تک فرزند خانواده هم بود. زمان جنگ اومد و گفت: مامان میخوام برم جبهه. مادر گفت: عباسم! تو عصای دستمی، کجا میخوای بری؟ عباسعلی گفت: امام گفته. مادرش گفت: اگه امام گفته برو عزیزم...

عباس اومد جبهه. خیلی ها می شناختنش. گفتند بذاریدش پرسنلی یا جای بی خطر تا اتفاقی براش نیفته. اما خودش گفت: اسم منو بنویس میخوام برم گردان تخریب. فکر کردند نمی دونه تخریب کجاست. گفتند: آقای عباسعلی فتاحی! تخریب حساس ترین جای جبهه است و کوچکترین اشتباه، بزرگترین اشتباهه....

بالاخره عباسعلی با اصرار رفت تخریب و مدتها توی اونجا موند. یه روز شهید خرازی گفت: چند نفر میخوام که برن پل چهل دهنه روی رودخونه دوویرج رو منفجر کنن. پل کیلومترها پشت سر عراقیها بود...

پنج نفر داوطلب شدند که اولینشون عباسعلی بود. قبل از رفتن حاج حسین خرازی خواستشون و گفت: " به هیچ وجه با عراقیها درگیر نمیشید. فقط پل رو منفجر کنید و برگردید. اگر هم عراقیها فهمیدند و درگیر شدید حق اسیر شدن ندارین که عملیات لو بره... و تخریبچی ها رفتند...

یه مدت بعد خبر رسید تخریبچی ها برگشتند و پل هم منفجر نشده ، یکی شونم برنگشته... اونایی که برگشته بودند گفتند: نزدیک پل بودیم که عراقیها فهمیدن و درگیر شدیم. تیر خورد به پای عباسعلی و اسیر شد...

زمزمه لغو عملیات مطرح شد. گفتند ممکنه عباسعلی توی شکنجه ها لو بده. پسر عموی عباسعلی اومد و گفت: حسین! عباسعلی سنش کمه اما خیلی مرده ، سرش بره زبونش باز نمیشه. برید عملیات کنید...

عملیات فتح المبین انجام شد و پیروز شدیم. رسیدیم رودخانه دوویرج و زیر پل یه جنازه دیدیم که نه پلاک داشت و نه کارت شناسایی. سر هم نداشت. پسر عموی عباسعلی اومد و گفت: این عباسعلیه. گفتم سرش بره زبونش باز نمیشه... اسرای عراقی میگفتند: روی پل هر چه عباسعلی رو شکنجه کردند چیزی نگفته. اونا هم زنده زنده سرش رو بریدند....

جنازه اش رو آوردند اصفهان تحویل مادرش بدهند. گفتند به مادرش نگید سر نداره. وقت تشییع مادر گفت: صبر کنین این بچه یکی یه دونه من بوده ، تا نبینمش نمیدارم دفنش کنین. گفتن مادر بیخیال. همیشه... مادر گفت: بخدا قسم نمیدارم. گفتند: باشه! ولی فقط تا سینه اش رو می تونین ببینین. بیهو مادر گفت: نکنه میخواین بگین عباسم سر نداره؟ گفتند: مادر! عراقیها سر عباس رو بریدند. مادر گفت: پس میخوام عباسمو ببینم...

مادر اومد و کفن رو باز کرد. شروع کرد جای جای بدن عباس رو بوسیدن تا رسید به گردن. پنبه هایی که گذاشته بودن روی گلو رو کنار زد و خم شد رگهای عباس رو بوسید. و مادر شهید عباسعلی فتاحی بعد از اون بوسه دیگه حرف نزد...<sup>۱۶</sup>

## مبارزه با نفس

ساعت ۲ نیمه شب برای انجام نافله شب بلند شدم، دیدم در دستشویی بسته است ولی از داخل صدای شیر آب و شستشو می آید .

هر چه در زدم کسی باز نکرد بالاخره فریاد زدم تا در را باز کند. در باز شد و دیدم حاج احمد (شهید امینی) پاچه های شلوار را تا زانو بالا زده و در حال تمیز کردن دستشویی های پادگان است. من

---

۱۶. راوی: محمد احمدیان از بچه های تفحص.



شمرنده این حرکت ارزشمند فرمانده گردان شدم قبل از اینکه من باب سخن را باز کنم حاج احمد گفت: مبادا تا من زنده ام جایی این مطلب را عنوان کنی که من در روز قیامت دامن تو را می گیرم.

روایتی از سیره سردار شهید احمد امینی که در سال ۱۳۴۲ در روستای محمد آباد از توابع رفسنجان به دنیا آمد. به عنوان پاسدار در جبهه حضور پیدا کرد و فرمانده گردان ۴۱۰ غواص لشکر ۴۱ ثارالله بود. وی سرانجام در تاریخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۶۴ و در عملیات والفجر ۸ در منطقه اروند به شهادت رسید.

## مراقبت از خود

از شهید بابایی پرسیدند: عباس جان چه خبر؟ چه کار میکنی؟

گفت: به نگهبانی دل مشغولیم؛ تا کسی جز خدا وارد نشود.

شهید «عباس بابایی» از خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و از حماسه سازان دوران هشت سال دفاع مقدس است که ۱۵ مرداد سال ۱۳۶۶ در حالی که مسئولیت معاونت عملیات فرماندهی نیروی هوایی را بر عهده داشت، به شهادت رسید.

## ارتباط با امام زمان 4

قاسم تازیکه در عملیات والفجر ۸ مسئول دسته غواصان لشکر ۲۵ کربلا بود که جزو اولین نفراتی بود که به فاو رسید و از پشت بی سیم به مرتضی قربانی خبر اعلام ورود خود به فاو را داد و در این لحظه صدای تکبیر برخاست.

او در همین عملیات تکه سیمی را به خود و دیگر اعضای گروه غواصی وصل می کند و جلوی سیم را رها می کند. مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا به وی می گوید: قاسم این تیکه را پاره کن مانع کارتان می شود. قاسم امتناع کرد و آقامرتضی درهم شد. تا آنجا که خود قاسم به حرف آمد و گفت: این تکه متصل به امام زمان 4 است که هدایتگر ما در این عملیات است.

قاسم تازیکه از حماسه سازان دفاع مقدس استان گلستان می باشد عضو گردان غواصان لشکر ۲۵ کربلا که دلاوری های وی در عملیات والفجر ۸ زبانزد خاص و عام بود و در عملیات کربلای ۵ به آرزوی دیرینه خود می رسد

## امام زمان 4 ، فرمانده واقعی

شهید باکری قبل از آغاز اجرای عملیات بدر به هم رزمانش گفته بود، هرگاه خداوند مقاومت ما را دید رحمت خود را شامل حال ما می‌گرداند، اگر از یک دسته بیست و دو نفری، یک نفر بماند باید همان یک نفر مقاومت کند و اگر فرمانده شما شهید شد نگوئید فرمانده نداریم و نجنگیم که این وسوسه شیطان است.

وی گفته بود: فرمانده اصلی ما، خدا و امام زمان 4 است. اصل، آنها هستند و ما موقت هستیم، ما وسیله هستیم برای بردن شما به میدان جنگ، وظیفه ما مقاومت تا آخرین نفس و اطاعت از فرماندهی است.

شهید مهدی باکری فرمانده دلاور لشکر ۳۱ عاشورا، ۲۵ اسفندماه سال ۶۳ در جریان عملیات بدر به خاطر شرایط حساس عملیات، مثل همیشه، به خطرناک‌ترین صحنه‌های کارزار وارد و در حالی که رزمندگان لشکر را در شرق دجله از نزدیک هدایت می‌کرد، تلاش می‌کرد تا مواضع تصرف شده را در مقابل پاتک‌های دشمن تثبیت کند ولی بر اثر برخورد تیر مستقیم مزدوران عراقی، ندای حق را لبیک گفت و به لقای معشوق نائل شد.

## منتظر واقعی

شهید مهدی زین الدین: در زمان غیبت کبری به کسی «منتظر» گفته می‌شود و کسی می‌تواند زندگی کند که منتظر باشد، منتظر شهادت، منتظر ظهور امام زمان 4 . خداوند امروز از ما همت، اراده و شهادت طلبی می‌خواهد. (فرازی از وصیت نامه شهید مهدی زین الدین)<sup>۱۷</sup>